

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/05/19

موضوع: مروری بر پیامهای ماندگار واقعه عظیم غدیرخم

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این سخنرانی:

بیان مختصری از زندگانی حضرت امام موسی کاظم (سلام الله علیه)

هجمه وهابیت به امام کاظم (سلام الله علیه) و القای برخی شبهات!!

تفاوت «خطبه غدیر» و «حدیث غدیر»!

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و اولاد طاهرنشان، مصدر تشریح احکام الهی!

مروری بر پیامهای ماندگار واقعه عظیم غدیرخم

ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) همپراز با توحید و نبوت و معاد

مهمترین آیه ی بیانگر مقام سیاسی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

اثبات ولایت تام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در تمام امور دین و دنیا فقط با این آیه!

ترسیم روشن حق و باطل، توسط پیامبر اکرم در غدیرخم

روایتی عجیب در ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به نقل شیخ صدوق (ره)

چراپی اشاره پیامبر به «حدیث حوض» در خطبه غدیرخم

تماس بینندگان برنامه

پاسخ به شبهه ای درباره «حدیث حوض»!

آیا اهل بیت (علیهم السلام) روز عید غدیر را جشن می گرفتند؟

تقیه شدید علما و روات اهل سنت از نقل حدیث غدیر

هدیه ای ارزشمند به بینندگان شبکه جهانی ولیعصر (ارواحنا فداه)

**مجری:**

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم اللهم صل على موسى بن جعفر الكاظم (عليه السلام)

بینندگان محترم «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» سلام عليكم، وقت شما بخیر باشد، به برنامه خودتان «حبل المتین» خوش آمدید.

ما از «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» در خدمت شما هستیم و خدمت شما عزیزان این اعیاد و مناسبت‌هایی که در روزهای گذشته داشتیم را مجدداً تبریک عرض می‌کنیم.

امشب هم شب میلاد حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) هست. ولی نعمت ما ایرانی‌ها حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) هست و ما که در قم هستیم هم حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را داریم.

خدمت شما بینندگان عزیز و حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) این مناسبت و این عید بزرگ را تبریک عرض می‌کنیم. ان شاء الله که از مصادیق کسانی باشیم که ائمه اطهار در موردشان می‌فرمایند:

**«و يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا»**

و از این باب این قلیل توسلات را از ما بپذیرند، زیرا ما از این طریق هم به نوعی خود را به اهل بیت وصل می‌کنیم. در اوضاع نابسامان امروز در هر گوشه‌ای از جهان غم و غصه‌ای هست. هرچند که دشمنان اهل بیت برای آن بزرگواران آسایش و آرامشی نگذاشتند، اما به خاطر این مناسبت‌ها و این ایام مبارک و این اعیاد بسیار زیبا، خوشحالی می‌کنیم و خوشحالی ما به خاطر خوشحالی اهل بیت (علیهم السلام) است.

ما این افتخار را داریم که در این برنامه در خدمت استاد معظم و گرامی‌مان مهمان همیشگی این برنامه حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم و ان شاء الله از مباحث ایشان بهره ببریم.

بیشتر از این وقت شما را نگیرم، خدمت استاد عرض سلام و تبریکی داشته باشیم و ان شاء الله برنامه را شروع کنیم. سلام علیکم، خیلی خوش آمدید، اسعد الله آیامکم، عیدتان مبارک باشد.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ از شما تشکر می‌کنم. خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که این برنامه یا تکرار آن را مشاهده می‌کنند، خالصانه‌ترین سلامم را همراه با تبریک میلاد امام کاظم (علیه السلام) تقدیم می‌کنم و موفقیت روزافزون برای همه شما گرامیان از خداوند متان خواهانم.

خدا را به آبروی حضرت موسی بن جعفر سوگند می‌دهم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم قرار بدهد و ما را از یاران خاص آن بزرگوار و از سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم اعمال و رفتار و کردار ما را مرضی رضای آن بزرگوار قرار بدهد. اللهم و هب لنا رأفته و رحمته و دعائه و خیره.

## مجری:

ان شاء الله که بتوانیم اوقات خوبی را برای بینندگان عزیز داشته باشیم و حتماً از محضر حضرتعالی استفاده می‌کنیم.

الحمد لله بینندگان در دهه ولایت از حضور حضرتعالی استفاده کردند. حضرتعالی یک سری مباحثی را مطرح فرمودید که شاید برخی از بینندگان در جریان نبودند و شاید تازه به جمع بینندگان ما ملحق شدند.

اگر امکان دارد خلاصه‌ای از مباحث گذشته، علی‌الخصوص در مورد پیام‌های خطبه غدیر برای ما مطرح کنید تا ان شاء الله سؤالات را آغاز کنیم.

بیان مختصری از زندگانی حضرت امام موسی کاظم (سلام الله علیه)

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله.

أفوض أمری إلی الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر اللهم الیک اسلمت نفسی و الیک وجهت وجهی و الیک الجأت ظهری و الیک فوضت أمری یا رب العالمین

من قبل از اینکه به سؤال حضرتعالی پاسخ بدهم، با توجه به اینکه امشب، شب میلاد امام کاظم (علیه السلام) است و آن حضرت در تمام امور مخصوصاً کسانی که بیماری دارند، باب الحوائج است، چند دقیقه‌ای در مورد آن بزرگوار صحبت می‌کنم.

صاحب کتاب «کلم الطیب» از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) مطلب زیبایی را نقل می‌کند.

ایشان می‌نویسد که من در مدینه بودم، همسرم بیمار و مشرف به مرگ بود. من در حرم پیامبر به رسول گرامی اسلام متوسل شدم، بسیار گریه کردم و در حرم خوابم برد.

حضرت را در خواب دیدم و آن بزرگوار به من فرمود: برای شفای همسرت به کاظمین محضر امام موسی کاظم برو. من عرضه داشتم: آقا جان! آن بزرگواران فرزندان شما هستند و هرچه دارند از شما دارند.

پیغمبر اکرم فرمود: ما کارها را تقسیم کردیم. کسانی که گرفتار دشمن هستند را به پسرعمویم امیرالمؤمنین سپردیم. کسانی که دنبال مسائل معنوی هستند را به امام حسن و امام حسین سپردیم.

کسانی که دنبال مسائل علمی هستند را به امام باقر و امام صادق سپردیم. کسی که در مسافرت هست و خطری در سفر احساس می‌کنند را به فرزندم امام رضا سپردیم.

کسانی که مشکلات مالی و خانوادگی دارند را به فرزندم امام جواد سپردیم. کسانی که مشکلات بیماری دارند به فرزندم امام کاظم متوسل شوند. و کسی که مشکلاتش به گلوگاه رسیده و تمام درها به روی او بسته شد، به فرزندم ابی‌صالح المهدی متوسل شود.

در عصر پرغوغایی که بیماری‌ها بیداد می‌کند و تمام دنیا گرفتار آن هست و شهر قم هم از چند روز وضعیت قرمز اعلام کرده‌اند، باید به حضرت موسی بن جعفر متوسل شویم.

ان شاء الله از همه بینندگان درخواست می‌کنیم، با توسل به حضرت موسی بن جعفر بخواهند که این بیماری‌ها را از سر همه، علی‌الخصوص مردم ایران و همه شیعیان در سراسر جهان و مسلمانان برطرف کند و تبعات بیماری را با فضل و کرمش جبران بفرماید.

امام موسی کاظم سال 128 هجری به دنیا آمدند. آن حضرت بعد از شهادت امام صادق (علیه السلام) در سال 148 هجری قمری به امامت رسیدند و در سال 183 در زندان «سندی بن شاهک» (علیه لعنة الله) به شهادت رسیدند.

دوران امامت حضرت، سی و پنج سال بود. آن بزرگوار با خلافت «منصور دوانیقی»، «هادی»، «مهدی» و «هارون عباسی» معاصر بودند.

امام موسی کاظم از طرف «هادی» و «مهدی» بارها زندانی شدند و عاقبت هم در زندان «سندی بن شاهک» سال 183 هجری به شهادت رسیدند. زندگی امام موسی کاظم زندگی بسیار پرغوغایی بود.

ان شاءالله خداوند عالم کرم کند و بی بی دو عالم کریمه اهل بیت ما را در سایه سارش مورد عنایت قرار بدهد و دست نوازشش را بر سر ما و این شبکه‌ای که به نام حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) هست، بکشد.

ما ان شاءالله به بینندگان عزیز قول می‌دهیم در رابطه با امام موسی کاظم در جلسات متعددی صحبت کنیم.

### هجمه وهابیت به امام کاظم (سلام الله علیه) و القای برخی شبهات!!

امروز وهابیت حضرت موسی کاظم را دستمایه‌ای برای بعضی از شبهات حتی برای بعضی از علمای شیعه که بهره‌ای از علم ندارند، قرار داده است.

امر مشتبه شده و آنها تصور می‌کنند که امام بعد از امام صادق، «اسماعیل» بوده است. آنها چنین می‌پندارند که «بدا» حاصل شده و امامت به امام کاظم منتقل شده است!!

بنده در مناظره‌ای که اوایل امسال با یکی از اساتید اصفهان داشتم، گفتم که ما نزدیک به سیصد روایت از رسول گرامی اسلام، امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا داریم که نام ائمه اطهار از امیرالمؤمنین تا حضرت مهدی در روایات ما آمده است.

اسامی ائمه اطهار همچنین در روایات اهل سنت آمده است. جالب اینجاست که امام کاظم (علیه السلام) شاید تنها امامی هست که امام صادق در روز ولادتش، امامتش را اعلام کرد. خیلی عجیب است!

آقایان به کتاب «محاسن برقی» که یکی از کتاب‌های معتبر شیعه است، مراجعه کنند. در این کتاب و همچنین کتاب «کافی» اثر «کلینی» روایتی در خصوص امامت امام کاظم آمده است.

در روایت نقل شده است که امام صادق در مسیرش به مکه مکرمه در منزل «ابواء» وقتی خبر ولادت امام کاظم را می‌شنود می‌فرماید:

«فَهُوَ وَاللَّهِ صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي»

به خدا او صاحب شما بعد از من است.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج 1، ص 385، بَابُ مَوَالِيدِ الْأَيْمَةِ، ح 1

در ذهنم هست نزدیک به چهل روایت داریم که عمده آنها امامت امام کاظم را در دوران طفولیت اعلام کردند. حضرت در گهواره بود که امامت او را اعلام کردند. همچنین روایاتی داریم که وقتی حضرت پنج یا شش ساله بودند امامتشان را اعلام کردند.

ما به بی بی حضرت فاطمه معصومه قول دادیم که اگر عنایتی بفرمایند، در رابطه با شبهه امامت «اسماعیل» که دستمایه بسیاری از وهابیت از جمله «ابن تیمیه» شده است مفصل صحبت کنیم.

در حال حاضر هم متأسفانه برخی علمای شیعه ما، که از علم بی بهره هستند، به ماجرای امامت «اسماعیل» دامن می‌زنند. امام صادق (علیه السلام) بارها در مذمت «اسماعیل» عبارتهای تندی بیان فرمودند.

ما روایاتی داریم که «اسماعیل» نسبت به امام صادق بسیار وقیحانه و بی ادبانه برخورد می‌کرد که نه تنها شایستگی امامت ندارد، بلکه شایستگی یک فرد مسلمان متدین که احترام امام را نگهدارد هم ندارد. در روایت آمده است:

«كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ إِسْمَاعِيلُ ابْنُهُ»

ما نزد امام صادق بودیم و فرزندش اسماعیل هم در آنجا حضور داشت.

«فَسَأَلْتُهُ عَن قَبَالَةِ الْأَرْضِ، فَأَجَابَنِي فِيهَا»

ما در مورد مسئله‌ای سؤال کردیم و امام صادق هم جواب ما را داد.

«فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ: يَا أَبَتِ، إِنَّكَ لَمْ تَفْهَمْ مَا قَالَ لَكَ!»

سپس اسماعیل گفت: پدر، تو نفهمیدی که اینها از تو چه پرسیدند!

الإمامة و التبصرة من الحيرة، نویسنده: ابن بابویه، علی بن حسین، محقق / مصحح: مدرسه امام

مهدی علیه السلام، ص 69، ح 56

مشاهده کنید «اسماعیل» تا این اندازه بی ادب بوده است. تمامی این روایات در مصادر شیعه با سندهای معتبر و صحیح ثبت شده است.

متأسفانه بعضی از آقایان روایات ضعیفی از گوشه و کنار پیدا می‌کنند و شروع به دامن زدن می‌کنند. حال در خصوص اینکه چطور این روایات در منابع شیعه وارد شده است یا از روی تقیه صادر شده است هم جای بحث دارد.

جو زمان امام کاظم جزء خفقان و ستم آلودترین جوها در دوران چهارده معصوم (علیهم السلام) و یکی از سخت‌ترین دوران بود.

ان شاءالله ما قول می‌دهیم به حول قوه الهی مفصل در این زمینه با بینندگان عزیز صحبت کنیم و مطالبی مطرح کنیم که تا به حال یقین دارم نشنیده‌اند.



بنده با یکی از اساتید برجسته حوزه علمیه که چندین تألیفات هم دارد و بنده واقعاً او را قبول دارد صحبت می‌کردم. ایشان از بنده خواستند که اگر در این زمینه مطالب خوب و مستند و مستدل دارید در اختیار ما هم قرار بدهید، زیرا ما هم با این شبهات مواجهیم.

بنده خدا را شاکرم که با تفضلاتش و منّتی که بر ما گذاشته است، توفیق داد تا در این رابطه مطالب خوبی جمع آوری کردم. البته عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد!

بنده ماه رمضان سال گذشته تمام وقتم را برای پاسخ به همین چند شبهه‌ای گذاشتم که در رابطه با قضیه امام صادق و «اسماعیل» و امام کاظم مطرح می‌شود.

همچنین در رابطه با امامت امام هادی (علیه السلام) یک سری شبهاتی است. بنده یک ماه رمضان تمام وقتم را برای پاسخ به این شبهات گذاشتم.

در نتیجه مطالب خوبی تهیه شد که ان شاءالله به بینندگان عزیز ارائه بدهیم. امیدواریم مرضی حضرت ولی عصر و کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه قرار بگیرد.

### مجری:

استاد! اگر اجازه بدهید به دلیل اینکه امشب ولادت امام کاظم (علیه السلام) هست، میان برنامه‌ای بینیم و سپس خلاصه برنامه‌های گذشته را از حضرتعالی بشنویم.

دوستان بیننده منتظر ما باشید؛ کلیپی با هم بینیم و برمی‌گردیم. عزیزان بیننده «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» عرض تبریک مجدد دارم و ان شاءالله که این روزها، روزهای خوب و خوشی داشته باشید.

از خداوند متعال آرزوی توفیق روزافزون برای یکایک شما عزیزان، خواهران و برادران گرامی که این شبکه را پیگیر هستید خواهانیم. ان شاءالله اعیادی که در پیش روست را مغتنم بشماریم. اعیاد پرفضیلتی است؛ نزول

سوره دهر، آیه تطهیر و آیه ولایت مناسبت‌های خوب و شیرینی است. ان شاءالله که تا قبل از محرم دل‌هایمان را جلا داده باشیم تا برای محرم آماده باشیم.

حاج آقا من خدمت شما بازهم عرض تبریک و تهنیت دارم. مناسبت بسیار فرهبخش و شیرین و دلچسبی است. ان شاءالله این روزها برای شما هم خوش یمن باشد، همانگونه که هست.

ما در خدمت شما هستیم. خلاصه‌ای از مباحث مهم خود را برای بینندگانی که در جریان برنامه‌ها نبودند، بیان بفرمایید. ان شاءالله سپس به موضوع اصلی بحث که خطبه غدیر هست پردازیم.

### تفاوت «خطبه غدیر» و «حدیث غدیر»!

#### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آخرین سؤالی که مجری محترم در دهه ولایت پرسیدند و پاسخ ناتمام ماند، در رابطه با فرق میان «خطبه غدیر» و «حدیث غدیر» بود. بنده عرض کردم غالباً در منابع شیعه و سنی، حدیث غدیر با این مضمون مطرح شده است:

#### «من كنت مَوْلَاً فَعَلِي مَوْلَاً»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 6، ص 372، ح

32118

یا:

« مَنْ كُنْتُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلِيٌّ وَوَلِيُّهُ »

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علي بن أبي بكر الهيثمي، دار النشر: دار الريان للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - 1407، ج 9، ص 164، باب في فضل أهل البيت رضي الله عنهم

یا:

«من كنت وليه فعلي وليه»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج 5، ص 350، ح 23011

این حدیث است، نه خطبه. خطبه به معنای سخنرانی است. اگر سخنرانی رسول اکرم یک ساعت هم باشد، باید حداقل ده تا دوازده صفحه نقل شده باشد.

وقتی که ما برنامه‌ای داریم و نیم ساعت صحبت می‌کنیم، وقتی دوستان می‌خواهند آن را پیاده کنند به پانزده صفحه متن تبدیل می‌شود. ولی متأسفانه ما می‌بینیم در منابع شیعه و اهل سنت تنها حدیث غدیر مطرح شده است، نه خطبه غدیر!

من بسیار در این زمینه جستجو کردم و مشاهده کردم در قرن چهارم، آقای «طبرانی» متوفای 360 هجری در کتاب «معجم الکبیر» که روایات معتبری دارد، در جلد سوم صفحه 180 یک صفحه و نیم از خطبه غدیر را نقل کرده است.

همچنین «شیخ صدوق» متوفای 381 هجری در کتاب «خصال» جلد اول صفحه 65 این مطلب را آورده است.

بنده نتوانستم قبل از «طبرانی» خطبه غدیر حتی در یک صفحه هم پیدا کنم که یک روز صحبت پیغمبر اکرم را نقل کرده باشند.

دوستان از بنده سؤال کردند که این خطبه چه پیامی دارد. در جلسه گذشته نکته‌ها و پیام‌هایی که ما می‌توانیم از این خطبه درک کنیم و امروز برای ما بیان شده است را خدمت شما مطرح کردم و نکاتی را امروز اضافه می‌کنم.

### امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و اولاد طاهرینشان، مصدر تشریح احکام الهی!

یکی از سؤالاتی که مطرح شد، این بود که خلافت امیرالمؤمنین متعلق به هزار و چهارصد سال قبل است. این قضیه که حضرت خلیفه بودند یا امام بودند، بحثی است. حال طرح این مسئله چه اثری دارد؟! این افراد تصور می‌کنند که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم مثل خلیفه اول و خلیفه دوم به عنوان خلیفه و حاکم معین شده است، چند سالی حکومت کردند و به شهادت رسیدند.

این افراد بی‌خبر از این هستند که امیرالمؤمنین مصدر تشریح است. اگر بخواهم در یک جمله بیان کنم، باید بگویم که امیرالمؤمنین و فرزندان‌شان که در خطبه غدیر خم هم به آن اشاره شد و حدیث ثقلین مطرح شد مصدر تشریح هستند.

ما باید احکام خود را از ائمه اطهار بگیریم. ما باید سیاست خود را از این بزرگواران بگیریم. ما باید اخلاق خود را از امیرالمؤمنین و فرزندان بزرگوارشان بگیریم. ما باید معارف خود را از این بزرگواران بگیریم. ما باید توحید خود را از اهل بیت بگیریم.

ما باید آشنایی با نبوت و امامت و معاد را از امیرالمؤمنین و فرزندان پاکش بگیریم. اگر ما اهل بیت را کنار بگذاریم، سر از توحید خلاف قرآن کریم درمی‌آوریم.

توحیدی که امیرالمؤمنین در خطبه اول «نهج البلاغه» مطرح می‌کنند، این است که می‌فرمایند:

«الَّذِي لَا يَذْرُكُهُ بُعْدُ الْهَمَمِ وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطَنِ الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَخْدُودٌ وَلَا نَعْتٌ مُوجُودٌ وَلَا وَقْتُ مَعْدُودٌ وَلَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 39، خ 1

این قضایا همگی نشانگر این است که این توحید، توحید برخاسته از متن قرآن کریم است.

اگر ما این توحید را کنار بگذاریم، سر از خدای الاغ سوار وهابیت در می‌آوریم. خدایی که دارای جسم است. خدایی که وقتی بیمار می‌شود، ملائکه به عیادت او می‌روند. خدایی که در ایام حج، سوار بر ناقه است و برای رمی جمرات می‌رود!!!

این‌ها مسخره بازی‌هایی است که ما در توحید منهای علی می‌بینیم. در توحید امیرالمؤمنین و اهل بیت از این خرافات خبری نیست.

بنده به صراحت بگویم با توجه به اینکه نقل احادیث از زمان خلیفه اول تا صد سال ممنوع شد و احادیث را آتش زدند، تعدادی از یهودیان که دشمن دیرینه اسلام هستند فرصت پیدا کردند تا بعضی از مطالب خرافی و توحید تحریف شده را وارد معارف دینی کنند.

**مجری:**

آن‌ها از یک طرف ادعا می‌کنند که ممکن است حدیث پیامبر با قرآن کریم ادغام شود و نباید این کار را نکنیم و از طرف دیگر عده‌ای یهودی چنین داستان‌هایی درست می‌کنند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

بله. افرادی همانند «کعب الأحبار» در مسجد النبی کرسی تدریس داشت. «ابوهریره» و «ابن عباس» و امثال «تمیم داری‌ها» مشغول تدریس بودند.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تنها به عنوان خلیفه مطرح نبودند که ما بگوییم خلافت حضرت امروز چه فایده‌ای دارد، بلکه حضرت مصدر تشریح هستند.

بنده عرض کردم که هرچه ما بخواهیم از معارف دینی بگیریم، باید به سراغ امیرالمؤمنین و فرزندان بزرگوار آن حضرت برویم و این دیگر عصر و زمان نمی‌شناسد.

لذا در خطبه غدیر، رسول گرامی اسلام این نکات را بیان فرموده است. اگر ما این خطبه را نه از کتاب‌های شیعه، بلکه از کتب اهل سنت خوب بیان کنیم، قضیه کاملاً روشن و واضح خواهد شد.

### مروری بر پیامهای ماندگار واقعه عظیم غدیرخم

بنده در این زمینه چند نکته را فهرست وار بگویم. ما اولاً گفتیم همانطور که آقای «سبط ابن جوزی» و دیگران دارند، رسول گرامی اسلام، صد و بیست و چهار هزار نفر را در همایش بزرگ غدیر جمع کردند.

همایش غدیر مصداق یک همایش بی نظیر در آن عصر است. ما در تاریخ چنین همایشی ندیدیم که صد و بیست هزار نفر جمع شوند.

رسول گرامی اسلام اولاً تمام مردم را آوردند تا هرگونه بهانه و راه گریز بسته شود. باید حجت بر همه تمام شود و همه از زبان پیغمبر اکرم بشنوند و فردا نگویند که فلانی این حدیث را نقل کرده و شاید اشتباه شنیده و نتوانسته حرف پیغمبر را خوب برساند.

مردم باید خودشان به گوش خودشان بشنوند و حجت بر همگان تمام شود. نکته بعد این است که پیغمبر اکرم می‌فرماید:

«وَإِنِّي أَوْشَكُ أَنْ أَدْعَى فَأُجِيبُ فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ»

من گمان می‌کنم به پایان رسیده است. من در برابر سخنانی که می‌گویم مسئول هستم و شما هم مسئولید.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 5، ص 166، ح 4971

بنده عرض کردم که معمولاً شخصیت‌های بزرگ سفارش‌های اساسی خودشان را آخر عمر می‌نویسند و بیان می‌کنند. دلیل این کار این است که افرادی نگویند که بعد از نوشتن این وصیت بدا حاصل شده است، وصیت نسخ شده یا از نظرش برگشته است.

معمولاً بزرگان در اواخر عمر اساسی‌ترین مطالبشان را با توجه به کارهایی که کرده‌اند و با نگاه به آینده وصیت می‌کنند. آن‌ها با این دو نگاه وصیت و صحبت می‌کنند.

بنابراین رسول اکرم با توجه به بیست و سه سال زحمتی که کشیدند و به جهت اینکه این زحمات هدر نرود، یک سری مطالبی را در این همایش صد و بیست هزار نفره مطرح می‌کنند تا آینده را با گذشته پیوند بدهند.

امامت استمرار رسالت است و تنها حکومت و خلافت ظاهری نیست! تمام مسئولیتی که برای رسول اکرم بوده و تمام مقامی که برای آن حضرت بوده است، به استثنای مسئله وحی، همه چیز برای امیرالمؤمنین و فرزندان آن حضرت پابرجاست. همچنین اگر کتب اهل سنت هم خوب مورد مطالعه قرار بگیرد، مطالبی در این زمینه دارند.

اولین جمله‌ای که حضرت در خطبه غدیر مطرح فرمودند، این بود:

«أَنْتِي مَسْئُولٌ عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَ عَمَّا خَلَفْتُ فِيكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ حُجَّتِهِ وَ أَنْكُمْ مَسْئُولُونَ»

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 1، ص 66، ح 98

حضرت به صراحت فرمودند که من در برابر حرفم مسئولم و شما هم مسئول هستید. حضرت سپس آیه 6 سوره مبارکه اعراف را قرائت کردند و فرمودند:

**(فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ)**

بطور قطع از کسانی که پیامبران را به سوی آنها فرستادیم سؤال خواهیم کرد و از پیامبران (نیز) سؤال می‌کنیم.

**سوره اعراف (7): آیه 6**

خداوند متعال می‌فرماید: ما فردای قیامت هم از مردم سؤال خواهیم کرد و هم از پیامبران سؤال خواهیم کرد. ما از پیامبران سؤال می‌کنیم که آیا وظیفه رسالت خود را انجام دادند یا ندادند. همچنین از مردم سؤال می‌کنیم که به آنچه پیغمبر اکرم به شما رساند عمل کردید یا عمل نکردید! رسول گرامی اسلام بسیار ساده و خودمانی می‌فرماید:

**«أَنْتَى مَسْئُولٌ عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَعَمَّا خَلَفْتُ فِيكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَحُجَّتِهِ وَأَنْتُمْ مَسْئُولُونَ»**

حضرت همچنین به آیه شریفه:

**(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)**

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

**سوره مائده (5): آیه 67**



اشاره می‌کند. ما عرض کردیم بزرگان اهل سنت همانند آقای «آلوسی» که متوفای 1270 است، در کتاب «روح المعانی» جلد 6 صفحه 193 از قول «عبدالله بن مسعود» نقل می‌کند و می‌نویسد:

«كنا نقرأ على عهد رسول الله (صلى الله عليه و سلم) يأيها الرسول بلغ ما أنزل اليك من ربك إن عليا ولي المؤمنين وإن لم تفعل فما بلغت رسالته»

ما همگی در زمان پیغمبر اکرم این آیه را چنین می‌خواندیم: ای پیغمبر! به مردم بگو که علی ولی امر مؤمنین است و اگر ولایت علی معرفی نشود رسالت تو ناتمام است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بيروت، ج 6، ص 193، باب المائدة: (67) يا أيها الرسول.

این قضیه کاملاً واضح و روشن است و ایشان هم این قضیه را به صراحت نقل کرده است.

یک شب یکی از دوستان ادعا کرد که «آلوسی» این روایت را از قول شیعه نقل کرده است. ظاهراً این شخص خوب دقت نکرده است. «آلوسی» مطالب شیعه را تمام می‌کند، سپس نظر شخصی خود را مطرح می‌کند حتی در ذیل آن هم بحث خلفای راشدین را مطرح می‌کند. یک شیعه که در کنار خلافت امیرالمؤمنین، خلافت ابوبکر و عمر و عثمان را مطرح نمی‌کند!

بنده تقاضا دارم عزیزان مطلب نوشته شده در کتاب «روح المعانی» جلد 6 صفحه 193 را خوب دقت کنند. تصویری که ملاحظه می‌کنید، متن کتاب «روح المعانی» است که چنین نوشته است:

«كنا نقرأ على عهد رسول الله (صلى الله عليه و سلم) يأيها الرسول بلغ ما أنزل اليك من ربك إن عليا ولي المؤمنين وإن لم تفعل فما بلغت رسالته»

در اینجا اصلاً نقل نشده است که شیعیان چنین چیزی گفته‌اند. ایشان در ابتدای نقل روایت نوشته است:

«وأخرج الجلال السيوطي في الدر المنثور عن أبي حاتم وابن مردويه وابن عساكر راوین عن أبي سعيد الخدري...»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسی البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 6، ص 193، باب المائدة: (67) يا أيها الرسول.

این حرف «آلوسی» است و زمانی هم که این حرف را نقل می‌کند، رد نمی‌کند. قاعده الزام این است که اگر کسی مطلبی نقل کرد و علیه خودش بود، ما از باب قاعده الزام آن را می‌گیریم و نمی‌توانیم رها کنیم.

اگر این روایت سندا و دلالتا اشکالی داشت، «آلوسی» آن را نقد می‌کرد. او در ادامه بحث خبر غدیر را مطرح می‌کند و شروع به نقد کردن می‌کند، اما این روایت را به هیچ وجه رد نمی‌کند.

همچنین آقای «سیوطی» این روایت را در کتاب «الدر المنثور» نقل می‌کند. معمولاً مبنای آقای «سیوطی» این است که اگر روایتی ضعیف باشد، او می‌نویسد: «رواه ابن مردويه بسند ضعيف»، اما در اینجا می‌نویسد:

«وأخرج ابن أبي حاتم وابن مردويه وابن عساكر عن أبي سعيد الخدري قال: نزلت هذه الآية (يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك) على رسول الله يوم غدیر خم فی علی بن أبي طالب»

ایشان در ادامه می‌نویسد:

«وأخرج ابن مردويه عن ابن مسعود قال: كنا نقرأ على عهد رسول الله (يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك) ان عليا مولى المؤمنين (وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس)»

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت -  
1993، ج 3، ص 117، باب المائدة: (67) يا أيها الرسول... ..

ایشان هیچ اشکالی هم به ضعف سند نمی‌کند. این قضیه بسیار واضح و روشن است و جای شبهه نیست. در هر صورت پیغمبر اکرم در خطبه غدیر می‌فرماید:

«وَأَنْتُمْ مَسْئُولُونَ»

به فرموده رسول گرامی اسلام شما هم مسئولیت دارید و فردا مورد سؤال قرار می‌گیرید. چنین نیست که امروز من ولایت علی بن ابی طالب را مطرح کنم و شما فردا بهانه بیاورید.

در کتاب «تفسیر قرطبی» جلد 10 صفحه 297 ذیل آیه 71 سوره مبارکه اسراء که خداوند می‌تعال می‌فرماید:

(يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ)

به یاد آورید روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم.

سوره اسراء (17): آیه 71

به صراحت می‌نویسد:

«كل يدعى بإمام زمانهم و کتاب ربهم»

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج 10، ص 297، باب الإسراء: (71) يوم ندعوا كل... ..

این قضایا کاملاً واضح و روشن است. همچنین «آلوسی» در کتاب «تفسیر» خود جلد 15 صفحه 120 همین تعبیر را دارد. «آلوسی» در جلد 23 صفحه 80 می‌نویسد:

«أن السؤال عن العقائد والأعمال ورأس ذلك لا إله إلا الله ومن أجله ولاية على كرم الله تعالى وجهه»

روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى، اسم المؤلف: العلامة أبى الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسى البغدادي، دار النشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، ج 23، ص 80، باب

الصفات: (24) وقفوهم إنهم مسؤولون

«ابن حجر مکی» در کتاب «الصواعق المحرقة» به صراحت می‌نویسد: مراد این آیه شریفه این است که خداوند عالم فردای قیامت از ولایت امیرالمؤمنین سؤال می‌کند.

فرمایش رسول گرامی اسلام این است که من در برابر فرمایش خداوند عالم (بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) مسئولم و شما هم در برابر حرف‌هایی که من می‌زنم مسئولیت دارید. ما قبلاً این بحث‌ها را مطرح کردیم.

**مجری:**

بنده یک سری نکات از فرمایشات شما یادداشت کردم. بعد از دیدن یک میان برنامه پیام‌های این نکات را هم از شما بپرسم و برنامه را ادامه بدهیم. بینندگان عزیز منتظر ما باشید. بعد از دیدن یک میان برنامه برمی‌گردیم.

عزیزان بیننده، خواهران و برادران عزیزی که «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» و برنامه «حبل المتین» را برای دیدن انتخاب کردید خسته نباشید. ما در خدمت حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم و همچنان از محضر ایشان استفاده می‌بریم.

این روزها، روزهای شاد و اعیاد مبارکی است. عید بزرگ خدا عید غدیر خم هست. این روزها را خدمت شما شادباش عرض می‌کنیم.

حاج آقا خسته نباشید. از محضر شما استفاده کردیم. قبل از میان برنامه لطف کردید و خلاصه‌ای از مباحث گذشته را مطرح کردید.

شما به نکته مهمی در خصوص نبوت و توحید و معاد می‌پردازید که بدون امیرالمؤمنین است و به کجا می‌رسد، اشاره کردید.

جالب اینجاست که پیامبر اکرم قبل از اینکه حضرت امیرالمؤمنین را به عنوان ولایت مطرح کنند، از مردم سؤالاتی در خصوص توحید و نبوت و معاد می‌پرسند و آنها جواب‌هایی می‌دهند که اعتراف گونه است. این قضیه چه پیامی برای ما دارد؟!

**ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم‌تراز با توحید و نبوت و معاد**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

در کتاب «معجم الکبیر» اثر «طبرانی» جلد سوم حدیث 3052 آورده است که پیغمبر اکرم فرمودند:

**«أَلَيْسَ تَشْهَدُونَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»**

آیا بر وحدانیت خداوند شهادت نمی‌دهید؟

سؤال اول حضرت در مورد توحید است.

**«وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»**

آیا شهادت نمی‌دهید که محمد بنده و رسول خداست؟

سؤال دوم حضرت در مورد نبوت است.

**«وَأَنَّ جَنَّتَهُ حَقٌّ وَنَارَهُ حَقٌّ وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ الْبَعْثَ»**

سؤال سوم حضرت در مورد معاد است.

### «قالوا بَلَى نَشْهَدُ بِذَلِكَ»

مردم در جواب گفتند: ما به این شهادت‌ها اعتراف می‌کنیم.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 3، ص 180، ح

3052

رسول گرامی اسلام چرا این سؤالات را می‌پرسند؟ مگر مردم خداشناس نبودند؟ اگر مردم خداشناس نبودند، در مکه چکار می‌کردند؟! مگر مردم در کنار رسول گرامی اسلام «لیبک، لا شریک لک لیبک» نگفتند؟

اگر رسالت پیغمبر اکرم اشکالی داشت، این افراد این چنین جمع نمی‌شدند و بیست و سه سال با پیغمبر اکرم با سختی‌ها و مشکلات مواجه نمی‌شدند.

اگر این افراد معتقد به قیامت نبودند، بنابراین اینجا چکار می‌کردند؟ مشاهده کنید که این اعتقادات وجود دارد، اما رمزی دارد.

رمز آن این است که رسول گرامی اسلام با طرح سه بحث «توحید» و «نبوت» و «معاد» بفهماند، مطالبی که می‌خواهم در رابطه با علی بن ابی طالب بگویم هم ردیف با توحید و نبوت و معاد است؛ نه در ردیف نماز و روزه و حج و زکات و جهاد!!

این همان امامتی است که استمرار نبوت است. همانگونه که نبوت و معاد و توحید برای شما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بحث ولایت علی بن ابی طالب هم اینچنین است.

پیغمبر فرمود: اگر چنانچه از علی بن ابی طالب جدا شدید، از من و خدا جدا شدید.

## «من فَارَقَ عَلِيَا فَارَقَنِي وَمَنْ فَارَقَنِي فَارَقَ اللَّهَ»

هرکسی از علی جدا شد از من جدا شده است و هرکسی از من جدا شد از خدا جدا شده است.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء -  
الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 12، ص 423، ح  
13559

این بحثی نیست که ما بخواهیم روی بعضی از مسائل خاص مطرح کنیم و بگوییم که خیلی زیاد مهم نبوده  
است. در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد 3 از قول «ابوذر» (رضی الله عنه)  
نوشته شده است:

## «يا علي من فارقتني فقد فارقت الله»

یا علی! هرکسی از من جدا شود از خدا جدا شده است.

## «ومن فارقتك يا علي فقد فارقتني»

و هرکسی از تو جدا شود از من جدا شده است.

## «صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:  
دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج  
3، ص 133، ح 4624

بنابراین کاملاً مشخص است که بحث ولایت امیرالمؤمنین همانند فرائضی مانند نماز و زکات و حج نیست،  
بلکه فراتر از اینهاست.

این روایات کاملاً نشانگر این است هدف رسول گرامی اسلام از مطرح کردن این سه مسئله این است که می‌خواهند آن را به ولایت امیرالمؤمنین پیوند دهند که ولایت حضرت همسنگ توحید و نبوت و معاد است. همچنانکه در روایات شیعه داریم:

« يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَالْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِكَ بَعْدِي حُجَجُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ وَأَعْلَامُهُ فِي بَرِيَّتِهِ مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْكُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَمَنْ عَصَى وَاحِدًا مِنْكُمْ فَقَدْ عَصَانِي »

کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، محمد بن علی؛ محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر؛ ناشر: اسلامیة - تهران، 1359ق؛ ج2، ص 413، ح 13

مجری:

خیلی ممنونم استاد. بحث دیگری هم که شما به آن اشاره داشتید، بحث آیاتی بود که پیغمبر اکرم قبل از طرح حدیث غدیر خم آنها را فرمودند.

شما در برنامه گذشته به آیه ششم از سوره مبارکه احزاب اشاره کردید. می‌شود توضیح بفرمایید که پیغمبر اکرم به چه دلیل این مطلب را بیان می‌کنند؟

مهمترین آیه ی بیانگر مقام سیاسی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آنچه که مهم است، این است که رسول اکرم یکی از آیات مهمی که بالاترین مقام پیغمبر اکرم و جنبه سیاسی و اسلامی را مطرح می‌کند، در اینجا بیان می‌فرماید. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خود آنها اولی است.



## سوره احزاب (33): آیه 6

این قضیه بسیار مهم است. شاید بالاترین مقامی که خداوند متعال در قرآن کریم برای رسول گرامی اسلام آورده است، این هست؛ همچنانکه می‌فرمایند: ولایت پیغمبر بر شما مؤمنین از ولایت خود شما بر شما بالاتر است.

همانقدر که یک نفر بر خودش ولایت دارد، ولایت رسول اکرم بر او حاکم است و از ولایت خود افراد بر خودشان هم مقدم است.

لذا بزرگان شیعه و سنی در ذیل این آیه حرف زیاد دارند. «زمخشری» در کتاب «کشاف» جلد پنجم وقتی به این آیه شریفه می‌رسد، می‌نویسد:

«الَّتِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ فِي كُلِّ شَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا (مَنْ أَنْفَسِهِمْ)»

الكشاف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل، المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمر  
الزمخشرى الخوارزمي، دار النشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، تحقيق: عبد الرزاق المهدي، ج 3،  
ص 531، باب الأحزاب: (6) النبي أولى بالمؤمنين... ..

طبق نظر ایشان پیغمبر اکرم در تمام امور دینی و دنیوی اولویت دارند. حال بعضی از وهابی‌ها یا آخوندها یا ورشکستگان سیاسی ادعا می‌کنند که پیغمبر اکرم از طرف خداوند عالم وظیفه تشکیل حکومت نداشت، بلکه مردم ایشان را انتخاب کردند!!

ما در مناظره‌ای که با یکی از اساتید حوزه علمیه در اصفهان داشتیم، ایشان ادعا می‌کرد که ما دلیلی نداریم بر اینکه پیغمبر اکرم از ناحیه خداوند مأمور به تشکیل حکومت بود. مردم با پیغمبر اکرم بیعت کردند و به خاطر بیعت مردم، حکومتی تأسیس شد!!

من نمی‌دانم این حرف‌ها را شیاطین به این افراد وحی می‌کنند یا این حرف‌ها به خاطر جهلشان است!؟

یک عالم سنی در مورد آیه شریفه **(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)** می‌نویسد: «فی کل شیء من أمور الدین والدنیا»؛ به این معنا که اولویت در تمام امور دینی و دنیوی ثابت است. همچنین آقای «نسفی» در تفسیرشان همین تعبیر را دارند و می‌نویسند:

**«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ) أَىٰ أَحَقُّ بِهِمْ فِى كُلِّ شَىْءٍ مِنْ أُمُورِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا»**

**تفسیر النسفی، اسم المؤلف: النسفی، ج 3، ص 297، باب الأحزاب: (6) النبى أولى بالمؤمنین... ..**

طبق نظر ایشان ولایت پیغمبر اکرم از طرف خداوند است، نه از طرف مردم. من نمی‌دانم بعضی افراد چه فکری می‌کنند و چه چیزهایی در سرشان است!؟

بنده نمی‌دانم این افراد بی سواد هستند یا با اهل بیت (علیهم السلام) عناد دارند و یا به دنبال این هستند که ادعایی مطرح کنند تا کسب شهرت کنند.

چنین نیست که ما ادعا کنیم حکومت سیاسی پیغمبر اکرم حکومت مردمی بوده است. یا ادعا کنیم به دلیل اینکه مردم با پیغمبر اکرم در عقبه بیعت کردند، حکومت رسول گرامی اسلام مشروعیت پیدا کرد!! اگر چنین باشد، ما باید بسیاری از آیات را کنار بگذاریم. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

**(إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)**

از دودمان من (نیز امامانی قرار بده).

**سوره بقره (2): آیه 124**

یا:

## (إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ)

ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم.

سوره ص (38): آیه 26

یا:

## (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)

من در روی زمین جانشین و حاکمی قرار خواهم داد.

سوره بقره (2): آیه 30

ما می‌خواهیم این آیات را چکار کنیم؟ آیا باید چشممان را روی تمام حقایق ببندیم؟

«تفسیر آلوسی» تفسیر مشهوری است. در جلد بیست و یکم این کتاب صفحه 151 آمده است:

«وأطلقت الأولوية ليفيد الكلام أولويته عليه الصلاة والسلام في جميع الأمور»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 21، ص 151، باب

الأحزاب: (6) النبي أولى بالمؤمنين... ..

«أطلقت» به معنای این است که به صورت مطلق آمده است. این اطلاق نشانگر این است که رسول گرامی

اسلام در تمام امور بر مردم اولی است.

همچنین علمای شیعه ما هم همین نظر را دارند. «مرحوم سید مرتضی» (رضوان الله تعالى عليه) متوفای 436

هجری وقتی به این آیه می‌رسد، می‌نویسد:

«النبی أولى بالمؤمنین من أنفسهم) وإنما أراد تعالی أنه أحق بتدبیرهم وتصریفهم»

رسائل الشریف المرتضی، تألیف: الشریف المرتضی، تقدیم: السید أحمد الحسینی، إعداد: السید مهدي الرجائي، نشر: دار القرآن الکریم - قم، طبع: مطبعة الخيام - قم، التاريخ: 1405 هـ، ج 3، ص 253، شماره 43

طبق نظر ایشان تدبیر امور مردم به عهده پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. اصلاً بحث این نیست که تدبیر امور را مردم به پیغمبر داده باشند.

همین شخصی که با او مناظره داشتیم، ادعا داشت که پیغمبر اکرم در قضیه جنگ بدر و احد با صحابه مشورت می‌کردند. این دلیل بر این است که حکومت سیاسی پیغمبر اکرم را مردم به او دادند و حکومت حضرت مردمی است!!

بنده در جواب گفتم: ابوبکر و عمر هم با علی بن ابی طالب مشورت می‌کردند. با این حساب مشروعیت خلافت آنها را هم امیرالمؤمنین به آنها داده بود؟!

این قضایا نشانگر این است که این افراد از الفبای مسائل دینی بی‌خبر هستند. لذا «مرحوم سید مرتضی» می‌نویسند:

«وإنما أراد تعالی أنه أحق بتدبیرهم و تصریفهم»

تمام تدبیر ملت طبق این آیه به عهده رسول گرامی اسلام است.

رسائل الشریف المرتضی، تألیف: الشریف المرتضی، تقدیم: السید أحمد الحسینی، إعداد: السید مهدي الرجائي، نشر: دار القرآن الکریم - قم، طبع: مطبعة الخيام - قم، التاريخ: 1405 هـ، ج 3، ص 253، شماره 43

همچنین «مرحوم شیخ طوسی» متوفای 460 هجری در کتاب «الإقتصاد» می‌نویسد:

«ولا خلاف بین المفسرین أن قول النبی صلی الله علیه وآله "أولی بالمؤمنین من أنفسهم" المراد به ومعناه أولی بتدبیرهم»

الإقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد؛ شیخ الطائفة الفقیه الأكبر أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، 385 - 460، منشورات مكتبة جامع چهلستون - طهران؛ مطبعة الخيام - قم 1400 - ه، ص 218، باب دلیل آخر علی إمامته

پیغمبر اکرم باید حکومت سیاسی تشکیل دهد، قاضی معین کند، محکمه معین کند و ظالم را به کیفر برساند. اگر حکومت تشکیل ندهد، آیاتی که در رابطه با حدود و دیات و قصاص است را چه کسی انجام دهند؟ اگر قرار است حکومت مردمی باشد، شخص ظالم ادعا می‌کند که من اشتباه کردم و در اینجا شما کوتاه بیایید. حضرت در اینجا مجبور است کوتاه بیاید، زیرا حکومتش را از مردم گرفته است! به دلیل اینکه مردم به رسول گرامی اسلام مشروعیت دادند، حضرت در تمامی موارد باید از مردم تبعیت کند!! بنده در این زمینه مفصل صحبت خواهم کرد. «مرحوم علامه طباطبایی» در کتاب «تفسیر المیزان» تعبیر زیبایی دارد و می‌نویسد:

«وهو التصرف فی شأن من شؤون الناس»

این آیات نشانگر این است که حضرت از طرف خداوند عالم تصرف در شؤونات مردم دارد.

«بالولاية التي جعلها الله تعالى له بمثل قوله: ( النبي أولی بالمؤمنین من أنفسهم)»

المیزان فی تفسیر القرآن، تألیف العلامة السید محمد حسین الطباطبائی قدس سره، منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة، ج 16، ص 321

اثبات ولایت تام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در تمام امور دین و دنیا فقط با این آیه!

لذا رسول گرامی اسلام قبل از مطرح کردن قضیه ولایت امیرالمؤمنین، آیه 6 از سوره مبارکه احزاب را مطرح می فرماید.

مضمون آیه شریفه این است که می دانید ولایت من بر شما در تمام امور دینی و دنیوی از شما بیشتر است. ولایت من بگونه ای است که حتی بر تمام اموال و نفوس شما ولایت دارم. حضرت بعد از این، ولایت علی بن ابی طالب را مطرح می فرماید.

این که حضرت ابتدا می فرماید:

«أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»

سپس می فرماید:

«مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَىٰ مَوْلَاهُ»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 5، ص 194، ح

5066

سرّش همین است. «طبرانی» خود چنین تعبیر می کند که پیغمبر اکرم فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ»

خدا ولی امر من هست و من مولای مؤمنین هستم.

«وَأَنَا أَوْلَىٰ بِهِمْ مِنْ أَنفُسِهِمْ»

حضرت بلافاصله می فرماید:

«فَمَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ يَغْنِي عَلِيًّا»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 3، ص 180، ح

3052

بنابراین پیغمبر اکرم می خواهد بین ولایت تامه خود بر مؤمنین با ولایت امیرالمؤمنین بر مؤمنین پیوند دهد. این قضیه بسیار واضح و روشن است و اصلاً جای تردیدی نیست.

آقای «سبط ابن جوزی» وقتی این مسئله را مطرح می کند، می نویسد:

«نص "ص" على ذلك بصريح العبارة دون التلويح والإشارة»

رسول اکرم با عبارت صریح مباحث را مطرح می کنند. ایشان سپس تمام اقوال و شعرا را مطرح می کنند. در ادامه می نویسد:

«و هذا نص صريح في اثبات امامته و قبول طاعته»

تذكرة الخواص المعروف بتذكرة خواص الأمة في خصائص الأئمة؛ المؤلف: سبط ابن الجوزي (654 هـ)،

المحقق: الدكتور عامر النجار، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية، الطبعة: الأولى 1429 هـ - 2008 م؛ ص 30

ایشان می نویسد این که پیغمبر اکرم ابتدا فرمودند «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» سپس فرمودند «من

كنت مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» نص صریح است در اثبات امامت و قبول طاعت علی بن ابی طالب. او در ادامه

می نویسد که حضرت فرمود:

«ادر الحق معه حيث ما دار و كيف ما دار»

خدایا حق را گرداگرد علی بچرخان در هرکجا برود و به هر کیفیتی بچرخد.

محوریت این است. امام شناسی این است. ما تلاش کنیم به اندازه «سبط ابن جوزی» غیرت دینی داشته باشیم! ما باید علم به فهم آیات داشته باشیم. این موارد چیزی نیست که ما بخواهیم توضیح بدهیم.

«سبط ابن جوزی» شخصیت کوچکی نیست. آقای «ذهبی» در کتاب «تاریخ الإسلام» جلد 48 صفحه 183 وقتی به «سبط ابن جوزی» می‌رسد، می‌نویسد:

«الإمام، الواعظ، المؤرخ شمس الدين، أبو المظفر التركي، ثم البغدادي العوني الحنفي. سبط الإمام جمال الدين أبي الفرج ابن الجوزي»

سپس می‌نویسد:

«وكان إماماً، فقيهاً، واعظاً، وحيداً في الوعظ، علامةً في التاريخ والسير، وافر الحرمة، محبباً إلى الناس، خلو الوعظ، لطيف الشمائل، صاحب قبول تام»

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي، دار النشر: دار الكتاب العربي - لبنان / بيروت - 1407 هـ - 1987 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. عمر عبد السلام تدمري، ج 48، ص 183، شماره 176

«ذهبی» می‌گوید او امام و فقیه و یگانه واعظ دهر و علامه در تاریخ و سیر است و سخنان او بی‌قید و شرط مورد قبول اهل سنت است. چنین شخصیتی در مورد امیرالمؤمنین می‌نویسد:

«و هذا نص صريح في اثبات امامته و قبول طاعته»

لذا رسول گرامی اسلام قبل از آنکه امامت امیرالمؤمنین را مطرح کند، ابتدا «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» را مطرح می‌کند تا ثابت کند امامت امیرالمؤمنین برگرفته از امامت رسول گرامی اسلام است.



ولایت تامه امیرالمؤمنین در تمام امور دینی و دنیوی برگرفته از ولایت تامه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) است. به بیان بهتر امامت همان استمرار نبوت است.

**مجری:**

حاج آقا از نکات و پیامهایی که در این بحث به آن اشاره داشتید، بسیار ممنونیم. نکته دیگری هم هست و آن اینکه بعد از آنکه پیامبر گرامی اسلام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را به عنوان ولی خدا معرفی می‌کند چنین دعایی می‌فرماید:

**«اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهُ وَعَادِ مِنْ عَادَاهُ»**

این دعا چه پیامی دارد که حضرت بلافاصله بعد از انتصاب امیرالمؤمنین به امامت چنین دعای شریف و مهمی را بیان فرمودند؟

**ترسیم روشن حق و باطل، توسط پیامبر اکرم در غدیرخم**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

این دعای پیغمبر اکرم بر یاران امیرالمؤمنین و نفرین حضرت بر دشمنان امیرالمؤمنین است. حضرت در این دعا می‌فرمایند:

**«اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهُ وَعَادِ مِنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مِنْ نَصْرَهُ»**

اولین پیام این دعا این است که بر همه واجب است از امیرالمؤمنین بی چون و چرا تبعیت کنند و کسی به هیچ بهانه‌ای حق مخالفت با علی بن ابی طالب را ندارد.

**«اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهُ وَعَادِ مِنْ عَادَاهُ»**

خدایا هرکسی که علی را دوست دارد دوست بدار و هرکسی علی را دشمن دارد دشمن بدار.

«وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»

هرکسی علی را یاری می‌کند او را یاری کن و هرکسی علی را خوار می‌کند او را خوار کن.

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 1، ص 66، ح 98

این دعا نشانگر این است که رسول گرامی اسلام راه هرگونه مخالفت با امیرالمؤمنین را می‌بندد.

نکته بعد این است که پیغمبر اکرم به تمام اتفاقاتی که بعد از حضرت به وجود آمده همانند جنگ جمل و جنگ صفین خط بطلان کشیدند. آیا آقایانی که در جنگ جمل با امیرالمؤمنین می‌جنگیدند، حضرت را دوست داشتند؟!

یکی از مراجع بزرگوار می‌گفتند که آیا «طلحه» و «زبیر» امیرالمؤمنین را اهل بهشت می‌دانستند یا اهل جهنم می‌دانستند؟

اگر حضرت را اهل بهشت می‌دانستند که در این صورت امیرالمؤمنین جزو عشره مبشره هست و جنگ با اهل بهشت حرام است و کشتن اهل بهشت خلاف شرع است. همچنین نستجیر بالله اگر علی را اهل بهشت نمی‌دانند، طبق قوانین خودشان:

«الصحابة كلهم من أهل الجنة قطعاً»

قطعاً تمام صحابه اهل بهشت هستند.

الإصابة في تمييز الصحابة، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852 هـ)،

تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة:

الأولى - 1415 هـ ج 1، ص 163

علی بن ابی طالب جزو عشره مبشره است. آیا کسی که با امیرالمؤمنین جنگ می‌کند و می‌خواهد حضرت را بکشد، قصدش این است که با کشتن علی بن ابی طالب، آن بزرگوار را به بهشت بفرستد یا نستجیر بالله به جهنم بفرستد؟!

بنابراین رسول گرامی اسلام تمام مخالفت‌هایی که بعد از خودشان با امیرالمؤمنین شد را مشخص کردند. البته قبل از این هم بارها عرض کردم در کتاب «صحیح مسلم» آمده است که حضرت فرمود:

**«وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِنَّهُ لَعَهْدُ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ إِلَى أَنْ لَا يَحِبِّي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغِضُنِي إِلَّا مُنَافِقٌ»**

قسم به خدایی که دانه را شکافت و هستی را آفرید این وصیت پیغمبر اکرم به من هست که فرمود: جز مؤمن مرا دوست نمی‌دارد و جز منافق هم مرا دشمن نمی‌دارد.

**صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء**

**التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 1، ص 86، ح 78**

این اصل اساس کار است. افرادی از «احمد بن حنبل» سؤال کردند که عده‌ای غلو می‌کنند و می‌گویند علی بن ابی طالب قسمت کننده بهشت و جهنم است. ایشان در جواب گفت: چرا استبعاد می‌کنید؟ مگر نمی‌گویند:

**«لَا يَحِبِّي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغِضُنِي إِلَّا مُنَافِقٌ»**

آن‌ها گفتند: بله. «احمد بن حنبل» گفت: بنابراین مسئله تمام است! هرکسی علی را دوست بدارد به بهشت می‌رود و هرکسی از حضرت بغض و کینه داشته باشد به جهنم می‌رود.

حدیث «مسلم» نشانگر این است که تقسیم کننده بهشت و جهنم علی بن ابی طالب است. این قضیه واقعاً واضح و روشن است. همچنین در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد 3 صفحه 131 حدیث صحیحی وارد شده است که پیغمبر اکرم فرمود:

«من أطيعنى فقد أطيع الله»

هرکسى از من اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است.

«ومن عصانى فقد عصى الله»

هرکسى عصیان مرا کند عصیان خدا را کرده است.

«ومن أطيع عليا فقد أطيعنى»

هرکسى از علی اطاعت کند از من اطاعت کرده است.

«ومن عصى عليا فقد عصانى»

و هرکسى با علی مخالفت کند با من مخالفت کرده است.

المستدرک على الصحيحين، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابورى، دار النشر:

دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج

3، ص 131، ح 4617

این قضیه نشانگر این است که رسول گرامی اسلام این مسائل را بارها و بارها مطرح فرموده است. بازهم در

کتاب «مستدرک على الصحيحين» جلد 3 صفحه 131 آمده است که پیغمبر اکرم می فرماید:

«من أذى عليا فقد أذانى»

هرکسى علی را اذیت کند، مرا اذیت کرده است.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:  
دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج  
3، ص 131، ح 4619

اهل سنت شاید بیش از سی روایت صحیح در این زمینه دارند.

**مجری:**

پیغمبر اکرم از هر راهی، با هر تعبیری و هر کلمه این قضیه را روشن کردند که خط درست کجاست و هیچ راه  
توجیهی باقی نگذاشتند.

**روایتی عجیب در ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به نقل شیخ صدوق (ره)**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

همچنین از میان منابع شیعه «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «معانی الأخبار» روایتی مفصل نسبت به اینکه  
عده‌ای ادعا می‌کنند خلافت امیرالمؤمنین مردمی است و الهی نیست مطرح کرده است. ایشان می‌نویسد که  
حضرت ذیل آیه شریفه:

**(فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ)**

هر کس پیمان‌شکنی کند به زیان خود پیمان شکسته است

**سوره فتح (48): آیه 10**

فرمودند:

**«إِنَّ عَلِيًّا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ»**

حضرت در ادامه فرمودند:

«مَنْ أَنْكَرَهُ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»

انکار او انکار من است و انکار من انکار خداوند متعال است.

البته ما معتقدیم اگر برای کسی حجت تمام شود که علی بن ابی طالب منصوب از طرف پیغمبر اکرم و خداوند متعال است و با علم به این، انکار کند، قطعاً انکار نبوت است و چنین شخصی نماز را هم انکار کرده است. چون ما معتقدیم نماز، «ما جاء به الرسول» است و اگر نماز را انکار کند کافر است و انکار ضرورت کرده است.

اگر برای کسی محرز شد که علی بن ابی طالب امام منصوب از طرف خداوند و پیغمبر اکرم است و با این علم انکار کند، قطعاً انکار علی بن ابی طالب انکار پیغمبر اکرم و انکار خداوند متعال است. حضرت در ادامه می‌فرمایند:

«أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَصَى عَلِيًّا فَقَدْ عَصَانِي»

ای مردم! هرکسی با علی مخالفت کند با من مخالفت کرده است.

نافرمانی از علی بن ابی طالب نافرمانی از من است.

«وَ مَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»

و هرکسی با من مخالفت کند با خداوند متعال مخالفت کرده است.

«وَ مَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»

هرکسی از علی اطاعت کند از من اطاعت کرده است و هرکسی از من اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده است.



زمانی که رسول اکرم در ابتدا اعتراف می‌گیرد، از مردم می‌پرسد که آیا من حق رسالت خود را انجام دادم یا ندادم؟ همگی در جواب گفتند:

«نَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ أَدَّيْتَ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 291، ح 6

همه حاضرین شهادت دادند و گفتند که پیغمبر اکرم وظیفه رسالتی خود را انجام داده است. این قضایا واضح و روشن است و جای تردیدی نیست.

رسول گرامی اسلام به چه زبانی بگوید که ما قبول کنیم؟ لفظی مانده است که رسول اکرم درباره امیرالمؤمنین نیاورده باشد؟ آیا واژه‌ای مانده است که رسول اکرم آن واژه را به کار نبرده باشد؟

البته اگر بغض و کینه و عناد باشد، می‌شود مثل «ذهبی» که وقتی نمی‌تواند روایت فضائل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را از نظر سند و دلالت رد بکند، با وقاحت می‌گوید:

« یشهد القلب انه باطل »

میزان الاعتدال في نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبي، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - 1995، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد

عبدال موجود؛ ج 1، ص 213

حال اینکه قضیه چیست من نمی‌دانم. من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:



خیلی ممنونم. بازهم در خطبه غدیر نکته مهمی است و آن بحث حوض کوثر است. واقعاً چه پیامی دارد که می‌بینیم پیغمبر اکرم بعد از این بحث در خطبه به حوض کوثر و این که شما در آنجا جمع می‌شوید اشاره می‌کنند؟!

**چرایی اشاره پیامبر به «حدیث حوض» در خطبه غدیر خم**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

یکی از نکات ظریف و پیام خطبه غدیر همین قضیه اشاره به قضیه حوض است. ما روایات متعددی در کتب شیعه و سنی داریم که فردای قیامت همه در کنار حوض با پیغمبر اکرم ملاقات می‌کنند.

کسانی که مؤمن و اهل بهشت باشند، به دست امیرالمؤمنین که ساقی کوثر هست از حوض آب می‌نوشند. در مقابل هرکسی به دست امیرالمؤمنین از حوض آب ننوشد، وارد جهنم خواهد شد. حضرت در ادامه فرمودند:

**«فَأِنِّي فَزْتُكُمْ عَلَى الْخَوْضِ وَأَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَى الْخَوْضِ»**

من فردای قیامت کنار حوض ایستاده‌ام و در آنجا شما را ملاقات خواهم کرد.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 5، ص 166، ح

4971

حضرت به صراحت فرمودند که اگر الآن از شما جدا شدم و از دنیا رفتم، تصور نکنید که رابطه من با شما برای همیشه قطع شده است. رابطه ما در قیامت برقرار است. همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

**(إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ)**

مسئلاً پروردگار تو در کمینگاه است.

## سوره فجر (89): آیه 14

رسول گرامی اسلام هم می‌فرماید: شما در کنار حوض بر من وارد خواهید شد. قضیه حوض قضیه بسیار مفصلی است که من الآن نمی‌خواهم وارد بحث حوض شوم. بحث حدیث حوض از احادیثی است که هم برای شیعه و هم برای سنی قابل دقت است.

کتب «صحيح بخاری» و «صحيح مسلم» حدود هفده روایت در رابطه با بحث حوض مطرح کرده‌اند. مثلاً در روایتی آمده است:

«لَيَرِدَنَّ عَلَى نَاسٍ مِنْ أَصْحَابِي الْخَوْضَ»

تعدادی از اصحاب من در کنار حوض با من دیدار می‌کنند.

«حَتَّى عَرَفْتُهُمْ اخْتَلَجُوا دُونِي»

من آنها را می‌شناسم، اما ملائکه نمی‌گذارند آنها با من ملاقات کنند.

ملائکه از نزدیک شدن به من در کنار حوض ممانعت می‌کنند.

«فَأَقُولُ أَصِحَابِي»

من می‌گویم: آن‌ها اصحاب من هستند.

«فَيَقُولُ لَا تَدْرِي مَا أَخَذْتُهَا بِعَدَاكَ»

خداوند متعال می‌فرماید: نمی‌دانی آنها بعد از تو چه بدعت‌ها گذاشتند!

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار  
ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 5، ص  
2406، ح 6211

این روایت که متعلق به ما نیست. این روایت در کتاب «کافی» و «تهذیب الأحکام» و «بحارالانوار» نیست. در  
روایت دیگری آمده است:

«إِنَّهُمْ اِزْتَدُّوا عَلٰى اَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرٰى»

آن‌ها بعد از تو به دوران جاهلیت برگشتند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار  
ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 5، ص  
2407، ح 6213

پیغمبر اکرم در خطبه غدیر مسئله حوض را هم مطرح می‌فرماید، اما قبل از آن هم به همه مردم فرمود که در  
کنار حوض چه اتفاقاتی می‌افتد.

مجری:

در حقیقت رسول گرامی اسلام در اینجا می‌فرماید که اگر می‌خواهید در آن روز از ملاقات محروم نشوید، ولایت  
امیرالمؤمنین را بپذیرید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. همچنین در حدیث 6215 آمده است:

«بَيْنَا اَنَا نَائِمٌ اِذَا زُمْرَةٌ حَتٰى اِذَا عَرَفْتُهُمْ»

هنگامی که من در کنار حوض کوثر ایستاده‌ام گروهی را می‌آورند. وقتی آنها را شناختم آمدند کنار من تا از دست من آب کوثر بنوشند.

«خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَقَالَ هَلُمَّ»

مردی از میان من و آنها خارج می‌شود و به این گروه می‌گوید: بیایید برویم.

«فَقُلْتُ أَيْنَ»

پرسیدم: آنها را کجا می‌برید؟

«قَالَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ»

او قسم جلاله می‌خورد که اینها را به سوی جهنم می‌بریم.

«قُلْتُ وَمَا شَأْنُهُمْ»

پرسیدم: چرا؟ آنها چه کردند؟

«قَالَ إِنَّهُمْ اِزْتَدُّوا بِعَدَاكَ عَلَى اُدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى»

او می‌گوید: آنها بعد از تو به دوران قهقری زمان جاهلیت برگشتند.

حال بعضی افراد ادعا می‌کنند که شاید این حدیث نسبت به اصحاب رده بوده است! مگر اصحاب رده چند نفر بودند؟! حال شما ادعا می‌کنید که اصحاب «مسيلمه کذاب» و دیگران بودند و اصلاً مسلمان نبودند!! در ادامه روایت آمده است:

«فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ النَّعْمِ»

اصحاب من از آتش جهنم خلاص نمی‌شوند، مگر تعداد اندکی.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار  
ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 5، ص  
2407، ح 6215

مگر اصحاب رده چند نفر بودند؟! چیزی بگوئیم که با عقل جور دربیاید.

**تماس بینندگان برنامه:**

**مجری:**

از شما تشکر می‌کنم. بیننده ای پشت خط ارتباطی هست. حمیدجان سلام، وقت شما بخیر، در خدمت شما  
هستیم:

**بیننده (آقا حمید - شیعه):**

عرض سلام خدمت حضرتعالی و همچنین خدمت استاد محترم حاج آقای قزوینی بزرگوار و تبریک اعیاد  
گذشته و اعیاد پیش رو.

خدمت شما عرض کنم که بنده بابت زحمات حاج آقا قزوینی تشکر داشتم. حاج آقا این همه مشکلات را پشت  
سر گذاشتند و این شبکه را بنا کردند.

ان شاءالله خداوند متعال به شما خیر بدهد، زیرا حقیقتاً نگاه می‌کنیم که در کشور این همه مؤسسه فرهنگی  
وجود دارد اما هیچ کدام به تأثیرگذاری «شبکه جهانی ولی عصر» یا بحث‌های قبلی شما در «شبکه ولایت»  
واقعاً نبوده و نتوانستند کار کنند.

بنده می‌خواستم مطلبی را خدمت شما عرض کنم و آن اینکه جای خالی برنامه پاسخ به شبهات آتئیست ها یا ملحدین در میان برنامه‌های «شبکه جهانی ولی عصر» خیلی خالی است و واقعاً جای خالی این برنامه دیده می‌شود.

حضرت استاد شما برنامه‌ای را برای این قضیه چیدید یا خیر؟! بنده می‌خواستم همین سؤال را از حاج آقا بپرسم که برای این قضیه هم برنامه‌ای چیدید یا خیر!؟

حاج آقا بنده خودم دانشجو هستم. در کف جامعه وقتی فضای دانشجویی را نگاه می‌کنم، می‌بینم واقعاً شبهاتی که در مورد اصل اسلام هست یا شبهاتی که در مورد اثبات وجود خداوند متعال است بیش از شبهات ولایت است.

البته ولایت هم مهم است و نمی‌توان ولایت را کنار گذاشت و تنها به این مباحث پرداخت، اما حقیقت امر این است که به این مباحث اصلاً در جاهای دیگر پرداخته نمی‌شود.

حال با توجه به اینکه شما در بحث پاسخ به شبهات دغدغه دارید، واقعاً جای خالی این برنامه احساس می‌شود. اساتید فعلی شبکه هم حقیقتاً تا جایی که من برنامه‌ها را نگاه می‌کنم، در ادیان مختلف یا بحث بین مذاهب تخصص دارند.

بنده فعلاً نمی‌توانم بزرگواری را بین اساتید نام ببرم که بتواند بحث پاسخ به شبهات ملحدین را پیگیری کند. قطعاً اساتید از این قبیل در کنار شما کم نیستند.

ببینید می‌توانید بزرگواری را مسئول این کار قرار دهید که هم فن بیان خوب داشته باشد و هم بتوانیم از مطالب علمی ایشان بهره ببریم، در این زمینه حتماً برنامه‌ای را تدارک ببینید.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

قطعاً این کار را انجام خواهیم داد. جناب آقا حمید بنده خودم در این زمینه حساسیت دارم. بنده در فضای مجازی هم با شبهاتی که آتئیست ها انجام می‌دهند، مواجه هستم، وارد سایت‌ها و گروه‌های این افراد می‌شوم و برنامه‌ها و حرف‌هایشان را می‌بینم.

الحمدلله ما نیروهای خیلی خوبی داریم که در رابطه با آتئیست ها کار کردند و متخصص هستند. نیروهای ما هم فن بیان خوبی دارند و هم چندین سال است که با آتئیست ها در فضای مجازی مناظره می‌کنند.

ان شاءالله ما از وجود این افراد در «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» قطعاً استفاده خواهیم کرد. حال ابتدای کار است و تا این شبکه جا بیفتد و مردم قدری آشنا شوند کمی زمان می‌برد.

شما هم زحمت بکشید و به دوستان دیگر هم فرکانس شبکه را بدهید. هرکسی باید مبلغ امر اهل بیت باشد که به نام نامی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) هست و برای لبیک به ندای حضرت ولی عصر هست، تا شبکه قدری جا بیفتد و مردم با شبکه آشنا شوند.

اگر مخاطبین ما به حد نصابی که ما نیاز داریم برسند، قطعاً نسبت به شبهات آتئیست ها برنامه‌ای تدارک خواهیم دید.

بنده عرض کردم که کمتر هفته‌ای هست که من در کانال‌ها و گروه‌های آنها نروم و از حرف‌های آنها باخبر نشوم و از اینکه دوستان ما با آنها کلنجار می‌روند و به شبهاتشان پاسخ می‌دهند از نزدیک آشنا نباشم.

ان شاءالله به همه بینندگان عزیز قول می‌دهیم که در این رابطه حتماً برنامه‌ای داشته باشیم.

اهلبیت (علیهم السلام) به همه این شبهات پاسخ دادند. امام صادق (علیه السلام) با بزرگترین آتئیست عصرشان «ابن ابی العوجاء» برخورد داشتند.

حضرت چندین مرتبه با او مناظره کردند. حضرت همچنین چندین مرتبه «هشام بن حکم» را برای مناظره با آئنتست عصر خودش فرستاده است. اهل بیت (علیهم السلام) در هر حوزه‌ای که فکر کنید حرف برای گفتن دارند، اما ما قدری کم کار می‌کنیم.

به عنوان مثال امام صادق به «هشام بن حکم» می‌فرماید: می‌شود مناظره خود با فلان شخص را برای من نقل کنی؟! «هشام» می‌گوید که من نزد شما خجالت می‌کشم و حیا می‌کنم. حضرت می‌فرماید: من دستور می‌دهم که برای من نقل کنی!

«هشام» در ادامه تعریف می‌کند که من چه مطالبی بیان کردم و او چه مطالبی را مطرح کرد. امام صادق می‌فرماید: این مطالب را از چه کسی یاد گرفتی؟! «هشام» عرضه می‌دارد: یابن رسول الله از شما یاد گرفتم و خودم آن را قدری توسعه دادم.

### مجری:

ما از آقا حمید عزیز خداحافظی می‌کنیم. ان شاء الله بقیه مطالب را از طریق گیرنده ملاحظه کنند. متشکریم از تماسی که گرفتید و نکاتی که ارائه کردید. حاج آقا در خدمت شما هستیم. اگر نکته تکمیلی دارید برای ما بیان بفرمایید.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با حدیث حوض که رسول گرامی اسلام در خطبه غدیر مطرح می‌فرماید، می‌خواهد به گوش مردم برساند که قضیه امیرالمؤمنین موافقت یا مخالفت و دوستی یا دشمنی و اطاعت یا عصیان نتیجه‌اش را خواهند دید.



دنیا، دنیای زودگذر است و در اینجا چیزی مشخص نیست. «فرعون‌ها» هم حکومت کردند، «شدادها» هم حکومت کردند، حضرت سلیمان‌ها هم حکومت کردند. این ملاک نیست، بلکه ملاک این است که ما در کنار حوض باید ببینیم که قضیه چه خواهد شد.

### پاسخ به شبهه ای درباره «حدیث حوض»!

خیلی عجیب است که افرادی ادعا می‌کنند حدیث حوض مربوط به اصحاب رده است. بنده روایتی از کتاب «صحیح بخاری» می‌آورم و گمان می‌کنم با حرف «بخاری» دیگر چیزی برای گفتن نداشته باشند.

راوی روایت «براء بن عازب» یکی از اصحاب ویژه رسول گرامی اسلام است و همگی مخصوصاً اهل سنت با شخصیت «براء بن عازب» آشنا هستند. راوی می‌گوید که من گفتم:

«طُوبَى لَكَ صَحِبْتَ النَّبِيَّ وَبَايَعْتَهُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ»

خوشا به حالت که زمان پیغمبر را درک کردی و تحت شجره با رسول الله بیعت کردی.

«فَقَالَ يَا بَنَ أَخِي إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَخَذْنَا بَعْدَهُ»

او در جواب گفت: ای پسر برادرم! نمی‌دانی ما چه حدث‌ها و مخالفت‌هایی بعد از پیغمبر اکرم داشتیم.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 4، ص

1529، ح 3937

آیا «براء بن عازب» هم یکی از اصحاب رده است؟!

مجری:

دوستان امیر از تهران تماس گرفتند. صحبت ایشان را بشنویم و سپس ان شاء الله بحث را پیگیری می‌کنیم. بنده از شما عذرخواهی می‌کنم که کلام زیباییتان را قطع کردم. دوست عزیزمان امیر از تهران سلام، وقت شما بخیر، در خدمت شما هستیم:

**بیننده (آقا امیر از تهران - شیعه):**

سلام و عرض ادب، ایام را خدمت شما و استاد عزیز آقای قزوینی تبریک عرض می‌کنم. سؤالی برای من پیش آمده است.

شاید اساتید بزرگوار در این ایام به آن پاسخ داده باشند، اما از این باب که شبکه‌های وهابی بازهم روی این مسئله کار می‌کنند می‌خواستم اگر امکان دارد توضیح بیشتری بفرمایید.

**آیا اهل بیت (علیهم السلام) روز عید غدیر را جشن می‌گرفتند؟**

سؤال بنده راجع به این است که آیا اهل بیت ما به خصوص امیرالمؤمنین ایام عید غدیر را به اصحابشان یا اصحابشان به آن بزرگواران تبریک می‌گفتند و اهل بیت جشنی می‌گرفتند یا خیر؟!

**مجری:**

البته در رابطه با غدیر و مسجد غدیر هم روایتی در کتاب «کافی» از امام صادق (علیه السلام) داریم که فرمودند اینجا مسجد غدیر است. وهابی‌ها امروز این آثار را از بین بردند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

برادر بزرگوارم اینکه ائمه اطهار (علیهم السلام) نسبت به چه موضوعی مطالبی داشتند و نداشتند واضح و روشن است. روایات زیادی که ما از ائمه اطهار در رابطه با اهمیت غدیر داریم، همگی اهمیت این قضیه را نشان می‌دهد.

در کتاب «تهذیب الأحكام» اثر «شیخ طوسی» جلد 6 صفحه 24 روایتی از قول امام رضا (علیه السلام) مطرح شده است که حضرت می‌فرمایند:

«وَاللَّهِ لَوْ عَرَفَ النَّاسُ فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ بِحَقِيقَتِهِ لَصَافَحَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ»

به خدا سوگند اگر مردم قدر و فضیلت روز غدیر را درک می‌کردند، ملائکه هر روز ده بار با آنها مصافحه می‌کردند.

تهذیب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج 6، ص 24، ح 9

در کتاب «اقبال الأعمال» جلد اول صفحه 476 آمده است که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«وَهُوَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَبِيًّا إِلَّا وَ تَعَيَّدَ فِي هَذَا الْيَوْمِ»

این روز عید بزرگ خداست و خداوند عالم به تمام پیامبران دستور داده است که روز عید غدیر را عید بگیرند.

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج 1، ص 476، فصل فیما نذکره من عمل العید  
الغدیر السعید مما رویناه بصحیح الأسانید

این روایات کاملاً واضح و روشن است. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) روز عید غدیر می‌نشستند و مردم نزد آن بزرگوار می‌آمدند و تبریک می‌گفتند.

این روز همچنین در طول سال‌های متمادی مورد عنایت اهلیت (علیهم السلام) و بعضی از حکومت‌ها بوده است.

تقیه شدید علما و روات اهل سنت از نقل حدیث غدیر

البته این قضیه را هم در نظر داشته باشید که ائمه اطهار (علیهم السلام) در تقیه شدید بودند. این‌ها مسائلی نیست که ما به سادگی بخواهیم از کنار آن عبور کنیم و بخواهیم بگوییم که چرا آن بزرگواران جشن بزرگی نگرفتند.

حتی بعضی از روایات اهل سنت جرئت نمی‌کردند اسم غدیر را بیاورند. در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» متوفای 241 هجری آمده است که ایشان در جلد 4 روایتی از قول «زید بن أرقم» صحابی پیغمبر اکرم نقل می‌کند. راوی می‌گوید: من دامادی دارم که از تو مطلبی در رابطه با حدیث غدیر نقل کرد. من آمدم از زبان شما بشنوم. او در جواب گفت:

«أَنْكُمْ مَعْشَرَ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيَكُمُ مَا فَيَكُمُ»

یعنی شما آمدید که برای من دردرس درست کنید. مراد این بود که شما می‌خواهید من حدیث غدیر را نقل کنم و حکومت مرا مجازات کند؟! او سپس می‌گوید:

«فَقُلْتُ لَهُ لَيْسَ عَلَيْكَ مِنِّي بَأْسٌ»

او در جواب گفت: من نه جاسوس هستم و نه می‌خواهم دردرس درست کنم.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - مصر، ج 4، ص 368، ح 19298

زمانی که «زید بن أرقم» خاطر جمع می‌شود، شروع به تعریف کردن قضیه غدیر می‌شود. همچنین در کتاب «كفاية الطالب» آمده است که «سعید بن مسیب» می‌گوید: من به «سعد بن أبي وقاص» گفتم که می‌خواهم در رابطه با تو مسئله‌ای سؤال کنم؛

«إني أريد أن أسألك عن شيء وإنني أتقيك؟»

او در جواب گفت:

« سل عما بدا لك، فإنما أنا عمك »

سؤال خود را بپرس، زیرا من عموی تو هستم.

« قال: قلت: مقام رسول الله ( ص ) فيكم يوم غدیرخم؟ قال: نعم، قام فينا بالظهيرة، فأخذ بيد علي بن

أبي طالب فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه »

كفاية الطالب في مناقب علي بن أبي طالب؛ ص 620؛ الغدير، ج 1، ص 380

مشاهده کنید شخص زمانی که می‌خواهد از «سعد بن ابی وقاص» سؤال کند، می‌گوید که من می‌ترسم از غدیر از تو سؤال کنم. آیا در این شرایط ائمه اطهار و صحابه باید جشن می‌گرفتند؟! این افراد بزرگان اهل سنت هستند و شیعه هم نیستند.

همچنین در کتاب «أسد الغابة» اثر «ابن اثیر جزری» یکی از کتاب‌های معتبر اهل سنت در رابطه با شرح حال صحابه است. در این کتاب وارد شده است روزی «زهري» که یکی از بنیانگذاران حکومت بنی امیه است، در رابطه با غدیر حرف زد. من در جواب گفتم:

«لا تحدّث بهذا الشام، وأنت تسمع ملء أذنيك سب علي»

از غدیر حرف نزن، زیرا در بالای منبر به اندازه‌ای که گوش تو را پر کنند علی را سب می‌کنند.

«فقال: والله إن عندي من فضائل علي ما لو تحدّثت بها لقتلت»

أسد الغابة في معرفة الصحابة، اسم المؤلف: عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد الجزري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان - 1417 هـ - 1996 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل

أحمد الرفاعي، ج 1، ص 450، ح 809

آقای بزرگوار! ائمه اطهار در این وضعیت باید جشن بگیرند؟ در رابطه با روزه روز عید غدیر خم روایاتی آمده است که می‌فرماید:

«صَوْمُ يَوْمِ غَدِيرِ حُمٍّ يَعْدِلُ صِيَامَ عُمْرِ الدُّنْيَا»

روزه روز غدیر خم معادل عمر تمام دنیا است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 95، ص 303، ح 2

اگر کسی روز عید غدیر را روزه بگیرد، انگار به اندازه تمام عمر دنیا روزه گرفته است. در روایت دیگر آمده است:

«قَالَ الْمَفْضَلُ قُلْتُ يَا سَيِّدِي تَأْمُرُنِي بِصِيَامِهِ»

مفضل عرضه می‌دارد: مولای من! به من امر می‌کنی روزه بگیرم؟

«قَالَ إِي وَ اللَّهُ إِي وَ اللَّهُ»

حضرت می‌فرماید: آری به خدا سوگند، آری به خدا سوگند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 95، ص 323

مجری:

این خود اشاره به اهمیت این روز است. حاج آقا وقت ما هم به پایان رسیده است. اگر بتوانیم مطالب را جمع بندی کنیم خوب است.

نکته دیگری هم که وجود دارد این است که آقای امیر عزیز اشاره کرد که شبکه‌های وهابی به این شبهه دامن می‌زنند.

وهابی‌ها خود بهتر می‌دانند که مسجد غدیر از زمان پیغمبر اکرم ساخته شده بود و در روایات هست و وهابی‌ها خود آن را خراب کردند. این افراد باید بدانند که خودشان این مسجد را خراب کردند، حال ادعا می‌کنند که غدیر نبوده است.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این افراد ادعا می‌کردند که اگر اهمیت غدیر چنین است، چرا علی بن ابی طالب از غدیر حرف نزده است. ما از کتاب‌های خودشان و کتاب‌های شیعه حدوداً شصت روایت آوردیم که امیرالمؤمنین در رابطه با غدیر صحبت فرموده است. حضرت در رابطه با نصبش در غدیر، ولایت و امامتش صحبت فرمودند.

با وجود اینکه جلسه بعد ما به محرم می‌خورد، اما اگر بنده توفیقی داشته باشم در جلسه بعد به این موضوع بپردازم که یکی از دغدغه‌های ائمه اطهار (علیهم السلام) در زندگی، بحث غدیر بوده است.

### هدیه ای ارزشمند به بینندگان شبکه جهانی ولیعصر (ارواحنا فداه)

ائمه اطهار از امام حسن و امام حسین تا حضرت ولی عصر (سلام الله علیهم اجمعین) همگی روایاتی در غدیر دارند.

اگر دوستان کتاب «واقعة غدیر» که رساله دکتری بنده در دانشگاه الحرة هلند هست را ملاحظه کنند، بنده در آنجا تمام روایاتی که از ائمه اطهار در خصوص غدیر آمده را استقصاء کردم و در رابطه با حضرت امیرالمؤمنین و غدیر مطرح کردم.

کتابی که دست شماست، کتاب «واقعة غدیر دراسة توثيقية» است. عزیزان می‌توانند این کتاب را از سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» هم دانلود کنند.

بنده در صفحه 90 این کتاب تمام روایاتی که از امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر، امام حسن عسکری و حضرت ولی عصر در رابطه با غدیر آمده است را در اینجا آوردم.

این کتاب در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» قسمت تألیفات موجود است. دوستان می‌توانند این کتاب را دانلود کنند.

**مجری:**

این هم هدیه عید غدیر به بینندگان است که چنین کتابی چاپ شده است.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

سایتی که ملاحظه می‌کنید، سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» است. در قسمت «آثار و تألیفات» خیلی راحت می‌توانید کتاب «واقعة الغدیر» را دانلود کنید. متون این کتاب به صورت HTML و پی‌دی‌اف هم موجود است.

**مجری:**

الحمد لله امروز همه امکانات وجود دارد و می‌توان این کتاب را به صورت مستند و مستدل به راحتی ببینند.

حاج آقا از شما بسیار متشکر و عذرخواهی می‌کنم، زیرا مطالب واقعاً شیرین و مفید و پر استفاده است اما وقت کم است.

ان شاء الله بتوانیم در آینده این مباحث را تکمیل کنیم، زیرا مباحث و نکات بسیار مهمی است که از شما آموختیم.



ان شاءالله خداوند به شما توفیق دهد که این مطالب را در راه سعادت خودمان و رسیدن به سعادت که خداوند از ما می‌خواهد و در حوض در خدمت پیغمبر اکرم برسیم و بتوانیم با این راه‌ها به نجات برسیم.

خیلی متشکرم از مطالبی که فرمودید. نکات بسیار زیبایی بود. من خودم شخصاً بسیار استفاده کردم، با وجود اینکه این افتخار را دارم که در خدمت شما باشم. هرچه بیشتر در محضر شما باشیم بر علوم ما افزوده می‌شود و ان شاءالله بینندگان هم استفاده کافی و وافی را برده باشند.

بازهم این مناسبت‌ها را خدمت شما تبریک عرض می‌کنم. ان شاءالله خداوند اعمال ما و شما را قبول کند و آنها را جزو احسان‌ها و اعمال نیک ما و بینندگان محترم قرار دهد که اینقدر پیگیر برنامه هستند.

ان شاءالله خداوند این ساعات را از بهترین ساعات عمرشان قرار دهد و برای بینندگان باقیات الصالحات شود.

حاج آقا متشکرم. ان شاءالله بتوانیم در آینده هم در خدمت شما باشیم. همچنین از شما بینندگان محترم که تا این لحظه بیننده برنامه خودتان بودید و با ما در ارتباط بودید، خیلی متشکرم و تا دیداری دیگر از همه شما التماس دعا دارم و خداحافظی می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته